

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵۰۰

۱

۱۲۴

۵۰۰

تاریخ‌نگاری
یونس بن بکر (م ۱۹۹ق)
در
تدریس «سیره نبوی»

حسین مرادی نسب

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۴

مرادی نسب، حسین، ۱۳۳۸ -

تاریخ نگاری یونس بن بکر (م ۱۹۹ق) در تدوین «سیره نبوی» / حسین مرادی نسب. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.

شازده، ۱۶۷ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۴۵: تاریخ اسلام؛ ۸۲)

ISBN: 978-600-298-101-1

بها: ۶۸۰۰۰ ریال

فیپای مختصر.

فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nliai.ir> قابل دسترسی است.

کتابنامه: ص. [۱۲۹]-۱۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۳۸۵۷۵۳۳

شماره کتابشناسی ملی



تاریخ نگاری یونس بن بکر (م ۱۹۹ق) در تدوین «سیره نبوی»

مؤلف: حسین مرادی نسب

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرای: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قسم - جعفری

قیمت: ۶۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب یا ذکر مأخذ بلامانع است.

قسم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☎ تلفن: ۰۲۵۲۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمایر: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰ ص. پ. ۳۲۸۰۲۱۵۱ ☎ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اسکو ☎ تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu فروش اینترنتی:

شحن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی در راستای سعادت و امانی، بر سرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و انتظار داشتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی، کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی، در گسترش شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساس‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان معرفی یکی از سیره‌نگاران در تاریخ صدر اسلام است که در ردیف منابع تکنگاری قرار گرفته است و برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ اسلام و تمدن اسلامی» در مقاطع مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. امید است افزون بر جامعه دانشگاهی دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حسن مرادی‌نسب و همچنین ناظر محترم طرح حجت‌الاسلام والمسلمین محمدهادی به سبب غروی تشکر و قدردانی نماید.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۹	کلیات
۹	اهمیت و ضرورت این تحقیق
۱۰	پیشینه تحقیق
۱۱	معرفی شناخت منابع تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری
۱۲	واژه تاریخ
۱۳	واژه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری
۱۴	چالش‌ها و پیامدهای تاریخ‌نگاری
۱۵	روش‌هایی در تاریخ‌نگاری
۱۵	کتاب‌های تألیف شده درباره مغازی
۱۷	فصل اول: سیره و سیره‌نگاران
۱۷	مقدمه
۱۹	اصطلاح سیره و مغازی
۱۹	نخسین سیره‌نویسان
۲۳	نقش شیعیان در سیره‌نگاری
۲۳	تلاش گسترده محدثان و مورخان در تحریف سیره رسول خدا ﷺ
۲۷	نقش خاندان‌ها در تأثیرگذاری در سیره نبوی

۲۹	فصل دوم: شرح حال یونس بن بکیر (م ۱۹۹ق)
۲۹	شرح حال یونس بن بکیر در منابع
۳۰	زندگینامه
۳۱	الف) جایگاه علمی او
۳۱	ب) مذهب او
۳۳	ج) مشایخ
۳۳	محمد بن اسحاق (م ۱۵۱ق)
۳۴	هشام بن عروه (م ۱۴۶ق)
۳۵	سلیمان بن مهران، اعمش (م ۱۴۸ق)
۳۷	یونس بن ابی اسحاق (م ۱۵۹ق)
۳۷	طلحة بن یحیی قریشی (م ۱۴۸ق)
۳۸	خالد بن دینار تمیم (م ۱۵۲ یا ۱۵۳ق)
۳۹	خالد بن دینار ثبیانی (م ۱۷۰ق)
۳۹	اسباط بن نصر همدانی (م ۱۷۰ق)
۳۹	عبد ربه بن عبید (م ؟)
۴۰	شعبة بن حجاج بن ورد (م ۱۷۰ق)
۴۱	زکریا بن ابی زائده (م ۱۴۸ق)
۴۱	مطر بن میمون محاربی (م ؟)
۴۱	زیاد بن المنذر (م ؟)
۴۲	مختار بن نافع (م ؟)
۴۲	النضر بن طهمان (م ؟)
۴۳	شاگردان یونس بن بکیر
۴۳	عبید بن عیش (م ۲۲۸ق)
۴۴	عبدالله بن نمیر (م ۲۳۴ق)
۴۴	ابوبکر بن ابی شیبه (م ۲۳۵ق)
۴۴	احمد بن عبد الجبار عطاردی (م ۲۷۰ یا ۲۷۱ یا ۲۷۲ق)
۴۵	عقبة بن مکرم ضبی (م ۲۳۴ق)
۴۵	عبدالله بن یونس بن بکیر (م ۳ق)
۴۵	محمد بن العلاء بن کریب (م ۲۴۸ق)
۴۶	سفیان بن وکیع بن جراح رواسی (م ۲۴۷ق)
۴۶	فضل بن دکین ابونعیم (م ۲۱۹ق)

فصل سوم: تاریخ نگاری و تاریخ نگری یونس بن بکر در تدوین سیره نبوی، تألیفات،...	۴۹
تاریخ نگاری یونس بن بکر در تدوین سیره نبوی	۴۹
تاریخ نگری یونس بن بکر	۵۰
تألیفات یونس بن بکر	۵۳
نسخه کتاب مغازی یونس بن بکر و تصریح مؤلفان به کتاب او	۵۴
روش یونس بن بکر در کتاب مغازی	۵۷
شکل اصلی مغازی یونس بن بکر	۵۸
بخش اول: قبل از بعثت	۵۸
بخش دوم: سیره رسول خدا ﷺ پس از بعثت	۵۹
بخش سوم: سفرقات	۶۰
بخش چهارم: حلقای نخست	۶۰
مقایسه مغازی یونس بن بکر (م ۱۹۰ق) با روایت ابن هشام (م ۲۱۸ق) از...	۶۰
مقدمه	۶۰
اختلاف بین نصوص	۶۱
حذقیات ابن هشام	۶۳
مشابهت در نصوص	۶۷
حذقیات یونس بن بکر از ابن اسحاق	۷۰
مقایسه مغازی یونس بن بکر (م ۱۹۹ق) با مغازی محمد بن سلمة بن عبدالله حرانی...	۷۱
شخصیت محمد بن سلمه	۷۱
شخصیت سلمة بن الفضل (م ۱۹۰ق)	۷۲
ذکر نصوص محمد بن سلمه	۷۳
مشابهت در نصوص	۷۴
نصوص مشابه یونس بن بکر و سلمة بن الفضل از ابن اسحاق	۷۴
اختلاف در نصوص	۷۵
فصل چهارم: مغازی یونس بن بکر و منابع آن	۷۹
مغازی یونس بن بکر از دیدگاه علمای رجال	۷۹
منابع یونس بن بکر در مغازی	۸۱
محمد بن اسحاق (م ۱۵۱ق)	۸۱

٨٥	فصل پنجم: کتاب مغازی یونس بن بکیر منبعی برای دیگران
٨٥	مقدمه
٨٥	التاریخ الكبير، محمد بن اسماعیل بخاری (م ٢٥٦ق)
٨٦	المعرفة والتاریخ، یعقوب بن سقیان فسوی (م ٢٧٧ق)
٨٦	الآحاد والمثانی، احمد بن عمرو بن الضحاک (م ٢٨٧ق)
٨٦	الشمائل المحمدیه، محمد بن عیسی ترمذی (م ٢٧٩ق)
٨٧	الذریة الطاهرة النبویه، محمد بن احمد بن حماد دولابی (م ٣١٠ق)
٨٧	تاریخ الرسل والامم والملوک، محمد بن جریر بن یزید طبری (م ٣١٠ق)
٨٨	المعجم الكبير، سلیمان بن احمد طبرانی (م ٣٦٠ق)
٨٨	شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام، ابو حنیفه محمد بن نعمان (م ٣٦٣ق)
٨٨	الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید (م ٤١٣ق)
٨٩	المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری (م ٤٠٥ق)
٨٩	شرف النبی، ابوسعید خدری (م ٤٠٠ق)
٩٠	دلائل النبوة، بیهقی (م ٥٨٨ق)
٩٠	تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، احمد بن علی (م ٤٦٣ق)
٩١	الاستیعاب و الدرر... ابن عبدالبر (م ٤٦٣ق)
٩١	إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن الحسن طوسی (م ٥٤٨ق)
٩٢	الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، قاضی عیاض (م ٥١١ق)
٩٢	تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر (م ٥٧١ق)
٩٣	الروض الانف، ابوالقاسم سهیلی (م ٥٨١ق)
٩٣	اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن اثیر (م ٦٣٠ق)
٩٤	الاكتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله ﷺ والثلاثة الخلفاء، سلیمان بن موسى
٩٥	عیون الاثر فی فنون المغازی والسير، ابن سید الناس (م ٧٣٤ق)
٩٥	تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، مزی (م ٧٤٢ق)
٩٦	تاریخ الاسلام ووقیات المشاهیر والاعلام، ذهبی (م ٧٤٨ق)
٩٦	نهاية الأرب فی فنون الأدب، شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب نویری (م ٧٣٣ق)
٩٧	الوافی بالوفیات، خلیل بن أبیک صفدی (م ٧٦٤ق)
٩٧	البداية والنهاية، ابن کثیر (م ٧٧٤ق)
٩٨	الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی (م ٨٥٢ق)
٩٨	امتاع الاسماع، احمد بن علی بن عبدالقادر تقی الدین مقریزی (م ٨٤٥ق)
٩٨	بهجة المحافل و بغية الاماثل... عامری (م ٨٩٣ق)

۹۹	وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى ﷺ، سمهودی (م ۹۱۱ق)
۹۹	المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، قسطلانی (م ۹۲۳ق)
۹۹	حدائق الانوار و مطالع الاسرار... بحرق خضرمی (م ۹۳۰ق)
۱۰۰	سبل الهدی والرشاد... محمد بن یوسف صالحی دمشقی (م ۹۴۲ق)
۱۰۰	تاریخ الخمیس فی أحوال أنفیس نفیس، دیاربکری (م ۹۹۶ق)
۱۰۱	شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ابن عماد حنبلی (م ۱۰۴۴ق)
۱۰۳	فصل ششم: نقد برخی گزارش های یونس بن بکر از ابن اسحاق
۱۰۳	معیارهای نقد گزارش ها
۱۰۳	مقدمه
۱۰۴	فصل اول: بررسی برخی روایات پیش از بعثت
۱۰۵	درباره ازدول عبدالله بن عبدالمطلب با آمنه بنت وهب
۱۰۷	حدیث شق صدر در رابطه با گزارش های شیرخوارگی رسول خدا ﷺ
۱۱۲	زید بن عمرو بن نفیل در جستجوی ابن ابراهیم
۱۱۳	داستان بحیرا و همراهی رسول خدا ﷺ ابوطالب به شام
۱۱۴	فصل دوم: روایات بعثت
۱۱۴	اسلام علی بن ابی طالب علیه السلام و رشد او در کنار رسول خدا ﷺ
۱۱۷	امتحان خدیجه علیها السلام و ایمان به رسول خدا ﷺ
۱۱۸	کیفیت وحی و بعثت رسول خدا ﷺ
۱۲۲	وفات حضرت ابوطالب
۱۲۴	نقد گزارش مرگ سعد بن معاذ
۱۲۷	سخن پایانی
۱۲۸	پیشنهادهای
۱۲۹	منابع و مأخذ
۱۴۱	نمایه ها

مقدمه

مهم‌ترین نقطه آماز تاریخ‌نگاری اسلامی، قرآن است که نقش هدایتگری و عبرت‌آموزی برای انسان را دارد، مسأله‌ای ارزش‌های الهی را تبیین کرده است؛ زیرا قبل از اسلام، مردم جاهلی ارزش‌های حاد مانند باخر، ستیزه‌جویی، تعصب و موارد دیگر را به نام «ایام‌العرب» به خاطر می‌سپردند در عصر آن کوشا بودند. مسلمانان با آغاز اسلام و ترغیب آموزه‌های دینی و تعالیم نبوی، «ایام‌العرب» را تبدیل به «ایام‌الله»، «سنة الله»، «هدایت و عبرت‌آموزی» کردند و آن را در تاریخ نهادینه کردند. از سویی بیان تاریخ امت‌های گذشته و سرنوشت آنان در قرآن، برای عبرت‌آموزی و پیروی از دستورات پیامبران است. این کتاب الهی بشر را به تفکر کردن و اندیشیدن رهنمون می‌سازد تا تاریخ‌نگاری خود توجه داشته باشد، مبدأ آفرینش و جهات هستی و سرانجام آن را به فراموشی نسپارد. تمام این فراز و نشیب‌های تاریخی در جهت رسیدن به سعادت ابدی در جهانی دیگر است و بهره‌گیری در این جهان، تاریخ‌نگاری در میان ملل و امت‌های پیشین کم و بیش در سرنوشت‌گویی از جمله شبه‌جزیره حجاز وجود داشت؛ اما تفاوت اساسی با تاریخ‌نگاری اسلامی داشت، زیرا اسلام نقش اصولی در سیر تطورات تاریخ‌نگاری میان مسلمانان ایجاد کرد و با انگیزه‌ای دوچندان تاریخ‌نگاران به گسترش و بسط آن پرداختند.

از طرفی نوع نگرش در تاریخ‌نگاری موجب پایه‌گذاری مکاتب در تاریخ‌نگاری شد و هر یک از مکتب‌ها در مراکز فرهنگی بزرگ مانند مدینه و عراق به وجود آمدند. مکتب مدینه که دیدگاه اسلامی داشت؛ اما در مکتب عراق دیدگاه قبیله‌ای برتری و غلبه داشت و تحت تأثیر همین دو مکتب، مکاتب دیگر در شهرها دیگر به وجود آمدند و رشد کردند و پدیدآوردندگان این مکاتب از بنیانگذاران آن شدند. نخستین پدیدآوردندگان مکتب مدینه

محدثان بودند. این مکتب از ویژگی‌هایی از جمله توجه به سیره و مغازی پیامبر ﷺ و سلسله اسناد، برخوردار بود، در حالی که در مکتب عراق افزون بر قبیله‌گرایی به فتوحات و تساهل در اسناد توجه بیشتری داشت. در هر صورت مهاجرت محدثان صحابی رسول خدا ﷺ به شهرهای دیگر، و انتقال افکار و اندیشه‌های آنان سبب دگرگونی گرایش‌ها متفاوت در آن مکان‌ها شد و تحت تأثیر همین گرایش‌ها شاگردانی تربیت یافتند و آنان آن گرایش خود را نشر دادند.

بنابراین می‌توان گفت هر شهری گرایش سیاسی و مذهبی خود را داشت و تأثیرگذار اساسی آن عالمان و محدثان آنجا بودند. حال اینکه این گرایش وابسته به حکومت باشد یا نباشد تأثیر چندانی برای آن شهر نمی‌توانست داشته باشد. استاد رسول جعفریان^۱ به این نکته اشاره دارد که براساس آنچه از تاریخ به دست آمده است، شامیان تا مدت‌ها چهره اموی داشته‌اند، کوه گرایش‌های شیعی را در خود پرورش داد، بصره به دلیل رقابت با کوفه و شرکت در جنگ جمل گرایش شمانی و مکه و مدینه طرفدار شیخین بوده و گرایش آنها براساس بینش دینی و سیاسی بود است.

با توجه به انگیزه متفاوت و نگرش محدثان به تاریخ‌نگاری، رشته‌های مختلفی از آن پدید آمد و سیره‌نگاری یک نوع از تاریخ‌نگاری به شمار آمد و هریک از سیره‌نگاران در ثبت و ضبط سیره رسول خدا ﷺ نقش اساسی در تدوین آن داشتند و آن را به نسل‌های بعدی منتقل کردند. نگرش خاص هر محدث و منابع سبب تفاوت دیدگاه‌ها می‌شد که به‌طور معمول در گزارش‌های تاریخی به‌خصوص سیره‌نگار ر بود.

از این روی، نخستین گام در سیره‌نگاری - که از قرآن و حدیث برخاسته بود - شکل گرفت. از طرفی، تدوین سیره پیامبر اعظم ﷺ به وجود شخصیت پربرکت ایشان که برگرفته از نبوت و رسالت بود، باز می‌گشت تا مسلمانان به مصداق آیه «لَقَدْ كَلَّمْنَاكَ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةً حَسَنَةً»^۲ در همه ابعاد زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حکومتی، فرهنگی و اخلاقی از ایشان تبعیت کنند. توجه دقیق و آگاهانه و درس‌آموز به سیره نبوی را در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌توان دید. ایشان در تأکید بر اسوه بودن پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَافٌ فِي الْأُسْوَةِ... فَتَأْسَى بِنَبِيِّكَ الْإِطِيبُ الْإِطْهَرُ لِبَيْتِهِ، فَانْ فِيهِ أُسْوَةٌ لِمَنْ تَأْسَى... وَ عِزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَى، وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمَتَأْسَى بِنَبِيِّهِ وَ الْمَقْتَصُّ لِأَثَرِهِ...»^۳

۱. جعفریان، رسول، منابع تاریخ اسلام، ص ۵۱.

۲. احزاب (۲۳)، ۲۱.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

از این روی توجه به سیره آن حضرت از زوایای گوناگون ما را با روش و رفتار و کارکرد آن حضرت آشنا می‌سازد و راه تعامل درست و صحیح با افراد جامعه را به ما نشان می‌دهد. امام حسین علیه السلام حرکت خود را در جهت احیای سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرش علی علیه السلام ذکر کرده است، ایشان به محمد بن حنفیه می‌فرماید: «... اريد أن أمر بالمعروف و أنهي عن المنكر و أسير بسيرة جدّي و أبي علي بن أبي طالب»^۱ و نیز امام سجاده علیه السلام درباره برخورد با بازماندگان جنگ جمل فرمود: «... سار فيهم والله بسيرة رسول الله يوم الفتح»^۲. حتی از امام سجاده علیه السلام نقل شده است که فرمود: «كنا نعلم مغازی رسول الله كما نعلم السورة من القرآن»^۳.

تلاش دانش‌انداز در جلوه‌گری و تبیین زیبایی‌های سیره و مغازی آن حضرت در زوایای مختلف و بیان جزئیات زندگانی ایشان به عنوان اسوه بودن، سبب بالندگی و رشد دانش سیره‌نگاری که جزئی از تاریخ‌نگاری اسلامی است، شد و اینان در انتقال این علم به آیندگان نقش اساسی ایجاد کردند. ائمه اصحاب علیهم السلام و در رأس آنان امیرمؤمنان علیه السلام به مناسبت‌های گوناگون احیاء و بازشناسی آن حضرت^۴ و نخستین سرچشمه‌های این علم بودند که به بیان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداختند. به رسول از ائمه اطهار علیهم السلام شاگردان آنان و سپس محدثان شیعه در تدوین و گسترش سیره‌نویسی و زندگاری آن نقشی اساسی ایفا کردند. دانشمندان شیعی و افرادی که گرایش به تشیع داشتند با آنکه با موانعی بسیاری در ثبت و ضبط حوادث صدر اسلام روبه‌رو بودند، ولی توانستند نوشته‌هایی درباره سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله از خود بر جای گذارند؛ از جمله می‌توان به ابوالحسن تنسیب (م ۱۴۱ق)، ابن اسحاق (م ۱۵۱ق)، ابان بن عثمان بجلی (م ۱۷۰ق)، یونس بن بکیر (م ۱۹۰ق) و واقدی (م ۲۰۷ق) اشاره کرد. توجه شیعیان به سیره‌نگاری سبب شد برخی افراد، اصحاب منبری را با گرایش شیعی می‌شناختند.^۵

یونس بن بکیر از موالیان شیعی بود که در سیره‌نگاری به جایگاه رفیعی دست یافت و در جامعه آن روزگار به‌خوبی درخشید، زیرا با کسب دانش علوم رایج مانند حدیث،

۱. ابن اعمش، الفتوح، ج ۵، ص ۲۱؛ مجلسی، مرآة العقول، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳.

۳. بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۹۵؛ ما [به فرزند اتمان] مغازی رسول خدا صلی الله علیه و آله را مانند سوره‌های قرآن یاد می‌دهیم.

۴. رک: نهج البلاغه، برخی از خطبه‌ها و نامه‌های آن حضرت.

۵. یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۱۹.

فقه و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله موقعیت علمی خود را در جامعه آن روز تثبیت کرد و توجه طالبان دانش و مردم آن زمان را به خود جلب کرد. وی با بهره‌گیری از یافته‌های علمی و نقل احادیث نبوی از ابن اسحاق، کتابی در باب مغازی (سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله) تألیف کرد و نیز با بهره‌گیری از دانش مشایخ دیگر خود، کتابی دیگر نوشت. کتاب مغازی او از جایگاه رفیعی در میان محدثان و سیره‌نگاران پس از او، به منزله مأخذ و منبع برای دیگران برخوردار شد.

با توجه به قلمرو زمانی و مکانی (مدینه و کوفه از مراکز فرهنگی به شمار می‌رفتند) عصر او، می‌توان گفت فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سبب شد تا آرا و اندیشه‌های خود را در لایحه متونی که تا حدودی با حاکمان همساز است، بیاورد تا کتابش در جامعه نشر یابد. دیده می‌شود که در میان محدثان اتهام به تشیع امری رایج بوده و همین کافی بود که آن شخص از نظر مخالفان ساقط شود و روایاتش پذیرفته نشود و مردم به او و همانند او روی خوشی نشان ندهند. به خصوص آنانی که روایات مربوط به فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در روایات و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ضبط و آن را نقل می‌کردند، زیرا نقل این فضایل سبب می‌شد که مردم به امیر مؤمنان علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام گرایش پیدا کنند. اتهام تشیع حربه خوبی برای مخالفان بود تا کتاب‌های تألیف شده در باب سیره و مغازی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به وسیله شیعیان را از دید مردم بیدارند. در این میان می‌توان به ذهبی (م ۷۴۸ق) اشاره کرد که اتهام تشیع به یونس زده است، اما در کتاب کسی مانند ابن ناصرالدین، محمد ابن عبدالله (ابی بکر) (م ۸۴۲ق) او را راستگو و شیعه معرفی کرده است. سید بن طاووس (م ۶۶۴ق) در کتاب مهج الدعوات و منهج العبادات روایتی از امام علیه السلام درباره دعای نقل کرده که یونس بن بکر با خطاب «سیدی» از امام می‌خواهد دعایی برای رفع سختی‌ها به او یاد دهد و امام خواسته او را قبول می‌فرماید. خطاب «سیدی» دلالت بر تشیع بودن او دارد. گرچه برخی نویسندگان، شیعه بودن او را پذیرفته‌اند،^۱ که این سخن پذیرفته نیست.

درحقیقت جایگاه علمی یونس بن بکر در سیره‌نگاری به جایگاه علمی استادش ابن اسحاق (م ۱۵۱ق) شیعی^۲ برمی‌گردد. همه سیره‌نگاران پس از ابن اسحاق، در تدوین سیره به او متکی‌اند. ابن اسحاق آگاه‌ترین افراد به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، به‌طوری‌که

۱. زریاب‌خویی، «ملاحظات درباره سیره ابن اسحاق به روایت یونس بن بکر»، بزم آورد، ص ۱۰۶.

۲. حموی، باقوت، معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۴۱۹.

شافعی درباره او گفته است: «تبخر در سیره‌نگاری مستلزم شاگردی ابن اسحاق است». وی نخستین سیره جامع، منظم و مرتبی را تدوین کرد. در ماندگاری سیره او می‌توان گفت که شاگردانش نقش اساسی داشتند، زیرا آنان کتاب المبتدأ والمبعث والمغازی را از او (ابن اسحاق) شنیده و روایت کرده‌اند و هر یک از آنان در باب مغازی کتاب تألیف کردند. زکاوت علمی، تیزهوشی و تیزبینی هر یک از شاگردان ابن اسحاق در نقل گزارش‌ها تأثیر بسزایی در ثبت و ضبط سیره پیامبر ﷺ در تاریخ صدر اسلام داشته‌اند. از این رو، می‌توان با مقایسه گزارش‌های شاگردان ابن اسحاق از همدیگر، زیادت‌ها در سیره و تحریف‌های انجام‌شده را مشخص کرد. بیکر آنکه، با بررسی آثار شاگردان ابن اسحاق می‌توان تفاوت‌های نگارشی و نگارشی آنان را در مقایسه با گزارش‌های دیگر به دست آورد. این نگرش‌های فکری و عقیدتی در ماندگاری کتاب سیره و مغازی در طول زمان تأثیرگذار بوده و قابل انکار نیستند.

برای نمونه، به ماندگاری سیره ابن هشام اشاره می‌شود، زیرا او فقط به نقل روایات زیاد بن عبدالله بکائی (م ۱۸۳ق) که شاگرد ابن اسحاق بوده، اکتفا کرد و با تصرفاتی که در سیره ابن اسحاق انجام داد، سیره را به نام خود ثبت کرد، و نامش در ردیف سیره ابن اسحاق قرار گرفت. شاگرد دیگر ابن اسحاق محمد بن سلمه، با بی حرانی (م ۱۹۱ق) است که صاحب فضل و دارای نظر و فتوا بود. همچنین شاگرد دیگر ابن اسحاق، سلمه بن الفضل است که کتاب مغازی داشت و کتاب او را از کتاب‌های دیگر مغازی کامل‌تر دانسته‌اند، حتی درباره او گفته‌اند که تسلط کافی بر مغازی ابن اسحاق داشته است، بی‌شک او و محمد بن سلمه نشر نیافت و کتاب مغازی افرادی از جمله یونس بن بکیر به جهت نگرش فکری و عقیدتی چندان مورد توجه قرار نگرفت و به اتهام شیعه بودن تلاش شد تا کتاب‌های آنان به فراموشی سپرده شود و فقط گزارش‌های یونس بن بکیر از ابن اسحاق و شاگردان دیگر ابن اسحاق را در منابع مختلف، اعم از سیره، تاریخ، حدیث، تفسیر و... می‌توان مشاهده کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، کتاب فوق با عنوان تاریخ‌نگاری یونس بن بکیر (م ۱۹۹ق) در تدوین «سیره نبوی» تألیف شد. اما برای احیای کتاب مغازی یونس بن بکیر ضرورت این کار مورد توجه قرار گرفت، زیرا یونس بن بکیر از رویان مهم و تأثیرگذار ابن اسحاق بوده که گزارش‌های وی در لابه‌لای متون مختلف خودنمایی می‌کرد و در سیره نبوی کتابی با عنوان «مغازی» مبتنی بر روایات ابن اسحاق داشته که در گذر زمان به فراموشی سپرده شده است. گرچه تبیین این فراموشی ذکر نشده است اما حدس قوی بر آن است که گرایش مذهبی او سبب بی‌اعتنایی به چنین اثری شده است. پس شناخت دقیق از لایه‌های پنهان سیره رسول

خدا ﷺ و نیز شناخت تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری ضرورت احیای مغازی یونس بن بکر را به‌خوبی نشان می‌دهد، با آنکه دیگران هم به ضرورت این کار پی بردند و در جهت احیای (نسخه یافته شده در کتابخانه‌ها) روایات یونس بن بکر از ابن اسحاق کوشیدند. عظمت این کار چنان بزرگ و عظیم است که برخی مستشرقان از جمله مارسدنس جونز آلمانی، محقق کتاب المغازی واقدی، در مقدمه آن، احیای روایت یونس بن بکر از ابن اسحاق را در ذهن می‌پرورانده است و محققانی دیگر مانند سهیل زکار، روایت یونس بن بکر از ابن اسحاق و دیگران (غیر ابن اسحاق) را که پنج جزء باقیمانده از نسخه یافته شده است، به چاپ رسانده که معادل یک پنجم سیره ابن هشام بوده^۱ و با نام سیره ابن اسحاق آورده است. پرفسور حمیدالله همین مجموعه را با دو قطعه باقیمانده از مغازی محمد بن سلمه به چاپ رسانده است،^۲ همچنین احمد فرید مزیدی، در کتاب السيرة النبوة لابن اسحاق، با تحقیق و تخریج احادیث، به برخی روایات یونس بن بکر اشاره کرده است. مقاله‌ای از آقای دکتر عباس زریاب‌خویی با عنوان «ملاحظات دربار سیره ابن اسحاق به روایت یونس بن بکر» به چاپ رسیده است. دیگران ضرورت کار را یافتند و آن را انجام دادند، اما نواقصی در کار آنان بود که این نواقص محققان برجسته را بر آن داشت تا اثر جدیدی بیافرینند، از این رو، با پیشنهاد استاد محترم جناب آقای دکتر صادق آئینه‌وند، تألیف استاد محترم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین محمد هادی یوسفی غروی از اعضای شورای علمی گروه تاریخ اسلام پژوهشگاه، این کار به عهده نگارنده واگذار شد تا بررسی کتاب مغازی یونس بن بکر، مانند کتاب مغازی موسی بن عقبه، با مقدمه‌ای، جمع‌آوری و حیاحود و نام کتاب مغازی یونس بن بکر (م ۱۹۹ق) المسمى بالمغازی النبویة لیونس بن بکر عن ابن اسحاق (م ۱۹۱ق) بر آن نهاده شد و این اثر آماده چاپ است.

تلاش شد تا حد امکان برخی از روایات یونس بن بکر با برخی از نگارندگان ابن اسحاق مقایسه شود، هرچند این کار با گستردگی‌ای که دارد فرصت دیگری می‌طلبد که باید به آن پرداخته شود و تحریف‌ها و زیاده‌های سیره مشخص گردد.

کتاب حاضر در چند فصل سامان یافت؛ کلیات و شش فصل و سخن پایانی، صدر و ساقه این کتاب را تشکیل می‌دهند. در فصل اول از شش فصل، به نقش سیره‌نگاران، نقش شیعیان

۱. همدانی، سیرت رسول الله، مقدمه، ص ۲۸؛ به نقل از: مراجع زبان‌های اروپایی، شماره ۱۲.

۲. همدانی، همان، ص ۲۹.

در سیره‌نگاری، تلاش گسترده در تحریف سیره نبوی به دلیل نقل شدن فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) در آن و نقش و تأثیرگذاری خاندان‌ها در سیره پرداخته شده است. در فصل دوم، شرح حال یونس بن بکیر در منابع، زندگینامه، جایگاه علمی و مذهب او، استادان و شاگردان او آمده است. در فصل سوم، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری یونس بن بکیر در تدوین سیره نبوی، تألیفات، نسخه کتاب، روش و شکل اصلی مغازی او، مقایسه مغازی یونس بن بکیر با روایت ابن هشام از زیاد بن عبدالله بکایی، مقایسه مغازی یونس بن بکیر با مغازی محمد بن سلمه. اشاره‌ای شده است. در فصل چهارم، مغازی یونس بن بکیر و منابع آن، دیدگاه علمای رجال درباره او و در فصل پنجم کتاب مغازی یونس بن بکیر منبعی برای دیگران و در فصل ششم نقد برخی از روایات یونس بن بکیر از ابن اسحاق آمده و در سخن پایانی (تحلیل‌ها و پیشنهادها)، ارائه شده است.

در پایان لازم است از استادان عزیزانی که از مشورت آنان برخوردار شده‌ام تشکر و قدردانی کنم همچنین از غرضی که در آماده‌سازی این اثر تلاش کرده‌اند سپاسگزارم. این تحقیق همانند بسیاری از تحقیقات دیگر همراه با کاستی‌ها و نواقصی است که امیدوارم محققان محترم با دیده نقد به آن بنگرند و نگارنده را از نظریات سازنده خود آگاه سازند.

لازم است از استادان محترم و بزرگوار، جناب آقای دکتر صادق آئینه‌وند و جناب حاجت‌الاسلام والمسلمین یوسفی غروی که افزون بر نظایر طرح از راهنمایی و مشاوره و بذل محبتشان بهره برده‌ام قدردانی و سپاسگزاری کنم. همچنین از مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که زمینه تحقیق و پژوهش را برای محققان این مرکز فراهم آورده‌اند تشکر می‌کنم. نیز از گروه تاریخ اسلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که در این طرح همکاری نموده‌اند و همچنین از عزیزانی که در آماده‌سازی این تحقیق تلاش کرده‌اند سپاسگزارم.

حسین مرادی‌نپ

قم

زمستان ۱۳۹۳